

11/19



کتابخانه مجلس شورای ملی
محمود به تعدادی کتب فارسی

کتاب

مؤلف

جلد ۱۷۹ (۱) از کتب (۱) خطی (۱) ۱۵۱۵۱۲۱

های سینه که فانی ضیاطانی به کتابخانه مجلس شورای ملی

شماره ثبت کتاب

1.783

P1.13

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی اہدائی

549

در سال ۱۳۳۷ از سر رشته نظم ادو نم

۳۷۹

خطی

منع عمم ایران و...
شاه پسرند...
میرزا...
...
...
...

۳۷۹
خطی



کتابخانه مجلس شورای ملی



تجزیه به تعدادی مورخه

کتاب

مؤلف

جلد (۳۷۹) از کتب (خطی) اهدائی

آقای سید محمد صادق طباطبائی به کتابخانه مجلس شورای ملی

خطی اهدائی
۳۷۹

خطی اهدائی
کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
۳۷۹



خطی ۱۵



صورت محبت عقد خیریت هم المولف بنی القلوب
 المحمد بنی الدنای اهل النکاح و ذنب الیه و صوم التنا
 و المسقاع و اوعده علیه و صلی الله علی المقربین الیه
 لدیه محمد و آله الدائمین الطاهرین الاجمعین الیه
 لما بعد ففی الساعات فقد جری عقد خیریت
 در آن شب علی الاکابر القبول بن التنا عزت لا رولان
 و لدیوم فلان یا کینه و لد فلان و المنکوحه حضرت و عفت بنه عفته
 بالغه بکره رسیده و مسته و بعد از آن فلان الصدقات
 بهین فلان نقد فقر از قرار و رسم فلان عدد و فلان مقدار و مقدار
 فلان مقدار المهره فاته و مقدار فلان مقدار اسر فاته و فلان مقدار
 رسم فلان عدد و کتبه بسم الوکیل فی شهر عتبه
 عا لیمین بسم الله العالی فقهیل و کمال انبیا فلان
 السهوی علی تقریر و کتبه و جاز الله علیه عا لیمین فلان عا لیمین
 بسم الله فلان و بین و کتبه صبیحه عا لیمین عا لیمین
 الاکابر بسم الله بسم الله بسم الله بسم الله بسم الله
 و کتبه بسم الله بسم الله بسم الله بسم الله بسم الله

Handwritten Persian text in Nasta'liq script, likely a continuation of the manuscript's content.

دکتر

خط

خواهر فزونی که کم کردن
چشم از ساز و آواز فزونی
یکی نیست جز این که فزونی
فزونی

[illegible]

یارہ فی سارہ تو آری
قصہ فی سارہ سارہ
سارہ سارہ سارہ سارہ
سارہ سارہ سارہ سارہ
سارہ سارہ سارہ سارہ
سارہ سارہ سارہ سارہ

مکتبہ جامعہ اسلامیہ
کراچی

کفرتم که در این روزهای
از دست من که در این روزهای
از دست من که در این روزهای

کتاب طریق سر سبز
امیر کبیر

[Handwritten signature]

از بهار احمدی
میرزا محمد

قسم اول در علم

سید علی الدین

فندق الحاج احمد
صلى الله عليه وسلم

مطهر من كل نجاسة
و در آن در صورتی که
محل آن در زیر کلاه

عبدالله بن محمد بن عبدالمطلب

سید کو کہ مرا پروردگار
کفایت دادم بجز آنکه

لقد اراد الله ان يكون
سنة من كل سنة

[illegible]

کون از حق حقیق
و الله اعلم

کتابت در کتب خطی

لیسن کفر و ان معنی وہاں

کتابخانه عمومی
شهرستان کاشان
کاشان - ایران

کتابخانه و مرکز اسناد
مجلس شورای اسلامی
تهران

الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or title, located at the bottom of the page.

سید کرم و سید علی

از نیکو سوزیده محمدی

سید مرید و سید محمد و سید
محمد افشاری بران

پایه اری دادم و دو سید عالم

صومر که کجاست خفته ما
هری آمد و کجا کند از کار

کفتم که آنکه از کلام
کفتم که آنکه از کلام

تا رسد دم سحر خانه آن کور صفا
از در خانه که در کجاست

چون در خانه که در کجاست
از در خانه که در کجاست

چشم من سر زخمی که ناله کند
چشم من سر زخمی که ناله کند

کسی که در کجاست اول سدم
کفتم که آنکه از کلام

چشم من سر زخمی که ناله کند
کفتم که آنکه از کلام

بدر از در و در جبهه که
کفتم که آنکه از کلام

کفتم که آنکه از کلام
کفتم که آنکه از کلام

کفتم که آنکه از کلام
کفتم که آنکه از کلام

کفتم که آنکه از کلام
کفتم که آنکه از کلام

کفتم که آنکه از کلام
کفتم که آنکه از کلام

کفتم که آنکه از کلام
کفتم که آنکه از کلام

نبی که نبی رسول غیر موعی که که نبی خدا و ولی حضرت میانی
 روز غزاهم خطه نوزند که کافر زخم برد و اگر زخم زخم کند
 سبب آن جهان حلقه نبوی درخت زدن است از غم که فرود
 در روز دهم که غم می بیند و یک عمر لایق را که علقه و طبع می بیند و در
 خفته و در حلقه می بیند و در حلقه می بیند و در حلقه می بیند و در
 زمین از همه فرود می آید و هم خدای می بیند و خدا به هر طایفه پیدا کرد
 مایه کف را راوانی گفت در روز سه مردان علی بن ابی طالب
 این نبی در آن وقت و نظر که یک سبب خدای که یک سبب خدای
 سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای
 بد او در آن وقت و نظر که یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای
 سبب که این مرغ یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای
 بهر سبب که این مرغ یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای
 و سبب که این مرغ یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای
 الفرض که یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای
 زانکه سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای
 مرغ که این مرغ یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای
 که هر کوه (معدنی) را که یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای که یک سبب خدای

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
موسى بن جعفر عليه السلام

74

70

معرکه با صاحب فرزند شاه
 رحم فرزند کاک و فرزند
 مادر خود و صاحب فرزند

حیدر فرزند حاج محمد
 القاسم پسر حاج محمد
 مادر خود و صاحب فرزند

امیر خسرو دہلوی

بر ما که درین دین
 جمع اجماع است در دین
 بیستم که از هر دو
 در هر دو حد و حد

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

کتاب خود را در این کتابخانه
محفوظ نگه دارید و از هر کس که
بخواهد آنرا ببیند یا ببرد
اجازه ندهید.

کتابخانه

[illegible][illegible][illegible]

عمر بن الخطاب
رضي الله عنه

کلمه اول که در این کتاب است
 در این کتاب است که در این کتاب است
 کلمه دوم که در این کتاب است
 در این کتاب است که در این کتاب است
 کلمه سوم که در این کتاب است
 در این کتاب است که در این کتاب است

و در این کتاب که در این کتاب است

حسن الحکم دارک در شایانم
در سر کمر شایانم کاکم

وعدكم دار الآخرة نعم

کتابخانه عمومی
مکتبہ اسلامیہ

مکرمه فی حقہ

[illegible]

عمر بن الخطاب رضي الله عنه
عن ابي هريرة عن النبي صلى الله عليه وسلم

سید محمد کرم و دیگران در قاضی دارالم

۱۷۷۷
 ۱۷۷۸
 ۱۷۷۹
 ۱۷۸۰
 ۱۷۸۱
 ۱۷۸۲
 ۱۷۸۳
 ۱۷۸۴
 ۱۷۸۵
 ۱۷۸۶
 ۱۷۸۷
 ۱۷۸۸
 ۱۷۸۹
 ۱۷۹۰
 ۱۷۹۱
 ۱۷۹۲
 ۱۷۹۳
 ۱۷۹۴
 ۱۷۹۵
 ۱۷۹۶
 ۱۷۹۷
 ۱۷۹۸
 ۱۷۹۹
 ۱۸۰۰
 ۱۸۰۱
 ۱۸۰۲
 ۱۸۰۳
 ۱۸۰۴
 ۱۸۰۵
 ۱۸۰۶
 ۱۸۰۷
 ۱۸۰۸
 ۱۸۰۹
 ۱۸۱۰
 ۱۸۱۱
 ۱۸۱۲
 ۱۸۱۳
 ۱۸۱۴
 ۱۸۱۵
 ۱۸۱۶
 ۱۸۱۷
 ۱۸۱۸
 ۱۸۱۹
 ۱۸۲۰
 ۱۸۲۱
 ۱۸۲۲
 ۱۸۲۳
 ۱۸۲۴
 ۱۸۲۵
 ۱۸۲۶
 ۱۸۲۷
 ۱۸۲۸
 ۱۸۲۹
 ۱۸۳۰
 ۱۸۳۱
 ۱۸۳۲
 ۱۸۳۳
 ۱۸۳۴
 ۱۸۳۵
 ۱۸۳۶
 ۱۸۳۷
 ۱۸۳۸
 ۱۸۳۹
 ۱۸۴۰
 ۱۸۴۱
 ۱۸۴۲
 ۱۸۴۳
 ۱۸۴۴
 ۱۸۴۵
 ۱۸۴۶
 ۱۸۴۷
 ۱۸۴۸
 ۱۸۴۹
 ۱۸۵۰
 ۱۸۵۱
 ۱۸۵۲
 ۱۸۵۳
 ۱۸۵۴
 ۱۸۵۵
 ۱۸۵۶
 ۱۸۵۷
 ۱۸۵۸
 ۱۸۵۹
 ۱۸۶۰
 ۱۸۶۱
 ۱۸۶۲
 ۱۸۶۳
 ۱۸۶۴
 ۱۸۶۵
 ۱۸۶۶
 ۱۸۶۷
 ۱۸۶۸
 ۱۸۶۹
 ۱۸۷۰
 ۱۸۷۱
 ۱۸۷۲
 ۱۸۷۳
 ۱۸۷۴
 ۱۸۷۵
 ۱۸۷۶
 ۱۸۷۷
 ۱۸۷۸
 ۱۸۷۹
 ۱۸۸۰
 ۱۸۸۱
 ۱۸۸۲
 ۱۸۸۳
 ۱۸۸۴
 ۱۸۸۵
 ۱۸۸۶
 ۱۸۸۷
 ۱۸۸۸
 ۱۸۸۹
 ۱۸۹۰
 ۱۸۹۱
 ۱۸۹۲
 ۱۸۹۳
 ۱۸۹۴
 ۱۸۹۵
 ۱۸۹۶
 ۱۸۹۷
 ۱۸۹۸
 ۱۸۹۹
 ۱۹۰۰
 ۱۹۰۱
 ۱۹۰۲
 ۱۹۰۳
 ۱۹۰۴
 ۱۹۰۵
 ۱۹۰۶
 ۱۹۰۷
 ۱۹۰۸
 ۱۹۰۹
 ۱۹۱۰
 ۱۹۱۱
 ۱۹۱۲
 ۱۹۱۳
 ۱۹۱۴
 ۱۹۱۵
 ۱۹۱۶
 ۱۹۱۷
 ۱۹۱۸
 ۱۹۱۹
 ۱۹۲۰
 ۱۹۲۱
 ۱۹۲۲
 ۱۹۲۳
 ۱۹۲۴
 ۱۹۲۵
 ۱۹۲۶
 ۱۹۲۷
 ۱۹۲۸
 ۱۹۲۹
 ۱۹۳۰
 ۱۹۳۱
 ۱۹۳۲
 ۱۹۳۳
 ۱۹۳۴
 ۱۹۳۵
 ۱۹۳۶
 ۱۹۳۷
 ۱۹۳۸
 ۱۹۳۹
 ۱۹۴۰
 ۱۹۴۱
 ۱۹۴۲
 ۱۹۴۳
 ۱۹۴۴
 ۱۹۴۵
 ۱۹۴۶
 ۱۹۴۷
 ۱۹۴۸
 ۱۹۴۹
 ۱۹۵۰
 ۱۹۵۱
 ۱۹۵۲
 ۱۹۵۳
 ۱۹۵۴
 ۱۹۵۵
 ۱۹۵۶
 ۱۹۵۷
 ۱۹۵۸
 ۱۹۵۹
 ۱۹۶۰
 ۱۹۶۱
 ۱۹۶۲
 ۱۹۶۳
 ۱۹۶۴
 ۱۹۶۵
 ۱۹۶۶
 ۱۹۶۷
 ۱۹۶۸
 ۱۹۶۹
 ۱۹۷۰
 ۱۹۷۱
 ۱۹۷۲
 ۱۹۷۳
 ۱۹۷۴
 ۱۹۷۵
 ۱۹۷۶
 ۱۹۷۷
 ۱۹۷۸
 ۱۹۷۹
 ۱۹۸۰
 ۱۹۸۱
 ۱۹۸۲
 ۱۹۸۳
 ۱۹۸۴
 ۱۹۸۵
 ۱۹۸۶
 ۱۹۸۷
 ۱۹۸۸
 ۱۹۸۹
 ۱۹۹۰
 ۱۹۹۱
 ۱۹۹۲
 ۱۹۹۳
 ۱۹۹۴
 ۱۹۹۵
 ۱۹۹۶
 ۱۹۹۷
 ۱۹۹۸
 ۱۹۹۹
 ۲۰۰۰
 ۲۰۰۱
 ۲۰۰۲
 ۲۰۰۳
 ۲۰۰۴
 ۲۰۰۵
 ۲۰۰۶
 ۲۰۰۷
 ۲۰۰۸
 ۲۰۰۹
 ۲۰۱۰
 ۲۰۱۱
 ۲۰۱۲
 ۲۰۱۳
 ۲۰۱۴
 ۲۰۱۵
 ۲۰۱۶
 ۲۰۱۷
 ۲۰۱۸
 ۲۰۱۹
 ۲۰۲۰
 ۲۰۲۱
 ۲۰۲۲
 ۲۰۲۳
 ۲۰۲۴
 ۲۰۲۵
 ۲۰۲۶
 ۲۰۲۷
 ۲۰۲۸
 ۲۰۲۹
 ۲۰۳۰
 ۲۰۳۱
 ۲۰۳۲
 ۲۰۳۳
 ۲۰۳۴
 ۲۰۳۵
 ۲۰۳۶
 ۲۰۳۷
 ۲۰۳۸
 ۲۰۳۹
 ۲۰۴۰
 ۲۰۴۱
 ۲۰۴۲
 ۲۰۴۳
 ۲۰۴۴
 ۲۰۴۵
 ۲۰۴۶
 ۲۰۴۷
 ۲۰۴۸
 ۲۰۴۹
 ۲۰۵۰
 ۲۰۵۱
 ۲۰۵۲
 ۲۰۵۳
 ۲۰۵۴
 ۲۰۵۵
 ۲۰۵۶
 ۲۰۵۷
 ۲۰۵۸
 ۲۰۵۹
 ۲۰۶۰
 ۲۰۶۱
 ۲۰۶۲
 ۲۰۶۳
 ۲۰۶۴
 ۲۰۶۵
 ۲۰۶۶
 ۲۰۶۷
 ۲۰۶۸
 ۲۰۶۹
 ۲۰۷۰
 ۲۰۷۱
 ۲۰۷۲
 ۲۰۷۳
 ۲۰۷۴
 ۲۰۷۵
 ۲۰۷۶
 ۲۰۷۷
 ۲۰۷۸
 ۲۰۷۹
 ۲۰۸۰
 ۲۰۸۱
 ۲۰۸۲
 ۲۰۸۳
 ۲۰۸۴
 ۲۰۸۵
 ۲۰۸۶
 ۲۰۸۷
 ۲۰۸۸
 ۲۰۸۹
 ۲۰۹۰
 ۲۰۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

حرف اول و دوم و سوم

سید الشهدا و ائمه اطهار علیهم السلام

حسنی نواقدا را میفرستد
از او حیرت ازت می کند

مردم نهان خود را به هم

در این کتاب

و در آنجا که می بینید

[illegible]

چهارم از این که در کتب و کلام

بسم الله الرحمن الرحيم

کسر و سحر و جادو و کلاه و کلاه و کلاه
سحر و جادو و کلاه و کلاه و کلاه

[illegible]

در کتب و در کتب

[illegible]

حکومت و ملت ایران

حرف نون در کتب معتبره

کچھ بے شمار کتب و نسخہ
اسی محمد خورشید کی

شرح لفظ حق و در حق
 از و قطع لفظ طوطی و در حق

[illegible]

قاصد کرامت و کشف و کبریا

کتابخانه عمومی
کتابخانه عمومی

والتاريخ في هذا الموضع

و بولجی سہ ماہی و

مطالعہ نون

4.

که ای که کرد در روز شنبه و در وقت غروب و در وقت صبح و در وقت ظهر و در وقت عصر و در وقت شب و در وقت نیمه شب و در وقت...

در حکایتی که در حدیث آمده است که هر که در راه حق
مضطر شود که خنجر بر او زنی و در خانه یک قلعه که نه بر او

وینا که در این کتاب است

کتابخانه ملی ایران

[illegible]

از صفه جموعه کبک اعلیٰ صلی
برزگی و کمال و جبروتی

ماوتی فلان صوفی فرزند کون کون
در مکتب دوحه ماقی الهی
از افاضه کون کون کون کون

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

وہی ہے جس نے ان کو اپنا گھر بنا لیا ہے۔

قدیم کے لئے اور جدید کے لئے

صور در صفت روزگار
 که بکس تو توان گفت
 غم زده و غم زده
 نام تو از آن بخشید
 انصاف تو از آن بخشید
 نیت است که این غم زده
 کاس پر خورشید آرد
 افغان نماند به زان
 بان گفت از آن نه خورند
 از کردش شکر و آرد
 زانکه و باده جهان
 اسباب شهرت دیدند
 چون شاه سپید کرد
 کینه شهرت و خورشید
 سده سیل چشمت بر بند
 ای که بکس دست و پا
 اگر که بدید خورشید
 اف نه شیردگید خورشید
 هم بر ملک ملک بخش
 از شتر نه اگر که چون شد
 ای را از خون برزند
 تو خسته بکس چه دی
 خانه زده به نیاید
 اند چون سیر زدوش

این که بکس دست و پا
 اگر که بدید خورشید
 اف نه شیردگید خورشید
 هم بر ملک ملک بخش
 از شتر نه اگر که چون شد
 ای را از خون برزند
 تو خسته بکس چه دی
 خانه زده به نیاید
 اند چون سیر زدوش

که خورشید زده آرد
 در بر این کوه آرد
 آرد کس نه به برده
 بر معز از دوا آرد
 و در جبهه قطعی معاذ
 او که رمی نماند
 خواهم ببلد یک بر سر
 به لفظ و معاذ نفرد
 هر کس که سر شد این دلیل
 نازان جبهه شیر گران
 خانه بند و شایسته
 با این هم به نهار نشین
 کور و کور در خورند
 با جیب در دیده پیش دارا
 گویم که شاه آرد
 کوه آرد به نیک آرد
 دل و دیر آن خسته آرد
 کانه از نور آرد
 هم کوهین غلام آرد
 که تو چون کس دیر
 آن سیر زده آرد
 خانه کانه آرد
 این همه بر دوش آرد

که خورشید زده آرد
 در بر این کوه آرد
 آرد کس نه به برده
 بر معز از دوا آرد
 و در جبهه قطعی معاذ
 او که رمی نماند
 خواهم ببلد یک بر سر
 به لفظ و معاذ نفرد
 هر کس که سر شد این دلیل
 نازان جبهه شیر گران
 خانه بند و شایسته
 با این هم به نهار نشین
 کور و کور در خورند
 با جیب در دیده پیش دارا
 گویم که شاه آرد
 کوه آرد به نیک آرد
 دل و دیر آن خسته آرد
 کانه از نور آرد
 هم کوهین غلام آرد
 که تو چون کس دیر
 آن سیر زده آرد
 خانه کانه آرد
 این همه بر دوش آرد

از این که تو مغرور باشی / در رخ رخافت و در درسام
 بر کف خفا اندر رخ ساز / بر هفت کار سنگ از
 آند به دیدن بلرزد / با بر خیز ز رعد سوز
 غیر ز من تو حدیم آمد / خدیم از آن که نه
 هم کف قاف کاف گفت / کفیم تو کاف گفت
 لشکر الف ساسی / کاریم تو کاف گفت
 تعین تو تا که دم کشد / غشیش از غشش او شد
 تا شد الف تو کاف پیکر / کفو تو جو کاف من
 پس در سلیم با شد / کرشمه بند و پست زلف
 کریم صبر صحت پیش / هر روز بر رخ فاسدش
 غیرت از آن که در شاک / بر روانه قشای را
 هر که زلف سراغ جوید / چون بنزد الف زراف روی
 بر چو دل اگر گذارد اول / بویایب او در خودی
 بهارچ آن او بطرف کلدار / به الفزای او در بار
 رود ز کزادی که بچشم بود / زان روز غیبتی که بود
 نبود در اینست و با ضر / جز در هیچ علم را جز
 کور بود در خط مطلوب / جز در در و ملک بود
 از پنجه ده هلال صفت / خشم آنکه بان آن بود
 بر کردش اول اول ازین / بر کردش که آینه
 از سال جلاله ادبی / از مقیم که در سوره

از این که تو مغرور باشی / در رخ رخافت و در درسام
 بر کف خفا اندر رخ ساز / بر هفت کار سنگ از
 آند به دیدن بلرزد / با بر خیز ز رعد سوز
 غیر ز من تو حدیم آمد / خدیم از آن که نه
 هم کف قاف کاف گفت / کفیم تو کاف گفت
 لشکر الف ساسی / کاریم تو کاف گفت
 تعین تو تا که دم کشد / غشیش از غشش او شد
 تا شد الف تو کاف پیکر / کفو تو جو کاف من
 پس در سلیم با شد / کرشمه بند و پست زلف
 کریم صبر صحت پیش / هر روز بر رخ فاسدش
 غیرت از آن که در شاک / بر روانه قشای را
 هر که زلف سراغ جوید / چون بنزد الف زراف روی
 بر چو دل اگر گذارد اول / بویایب او در خودی
 بهارچ آن او بطرف کلدار / به الفزای او در بار
 رود ز کزادی که بچشم بود / زان روز غیبتی که بود
 نبود در اینست و با ضر / جز در هیچ علم را جز
 کور بود در خط مطلوب / جز در در و ملک بود
 از پنجه ده هلال صفت / خشم آنکه بان آن بود
 بر کردش اول اول ازین / بر کردش که آینه
 از سال جلاله ادبی / از مقیم که در سوره

بسکری بر سر سیم نوک / هر که کج که بیکر چکاوک
 که بدو چک که کرده خفا کام / کرد بدو برینم نوکش نام
 با است تو بخلاف میگرد / بنور در آن یکا نوکست
 توان سرور زلفه کانی / جله دار و رفا قدر کانی
 پس نه چو من نجابت / نقیر رود بر زنجابت
 دیدار تو خواب دیدن / باشد و حال فدر سینه
 آن شمشیر زنده / شریک که مهرده هلدی
 مانده لورا نظیر گوهر / از عاقل نقره آسمان زور
 پرورده کان مغرور زان / روزی شده عالم از صفت
 مایه زانست هر چه سیر دارد / اکسند فکک چو بدان جور
 آند زنده عالم هر / از ظلم آن مصحف حر
 لک لک که نقره آید در / ای طوفان ز زنگر دهر
 ای سیم فک که نقره آید در / ای طوفان ز زنگر دهر
 خدای به در لایق گفت / از آن که در اینست که بود
 تو از زنده عالم / بدست که در سیم سالی
 آن سیم و زنت شاد بود / سر پایت سیم ز بار
 هر روز که شاد بود / از آن که در اینست که بود

بسکری بر سر سیم نوک / هر که کج که بیکر چکاوک
 که بدو چک که کرده خفا کام / کرد بدو برینم نوکش نام
 با است تو بخلاف میگرد / بنور در آن یکا نوکست
 توان سرور زلفه کانی / جله دار و رفا قدر کانی
 پس نه چو من نجابت / نقیر رود بر زنجابت
 دیدار تو خواب دیدن / باشد و حال فدر سینه
 آن شمشیر زنده / شریک که مهرده هلدی
 مانده لورا نظیر گوهر / از عاقل نقره آسمان زور
 پرورده کان مغرور زان / روزی شده عالم از صفت
 مایه زانست هر چه سیر دارد / اکسند فکک چو بدان جور
 آند زنده عالم هر / از ظلم آن مصحف حر
 لک لک که نقره آید در / ای طوفان ز زنگر دهر
 ای سیم فک که نقره آید در / ای طوفان ز زنگر دهر
 خدای به در لایق گفت / از آن که در اینست که بود
 تو از زنده عالم / بدست که در سیم سالی
 آن سیم و زنت شاد بود / سر پایت سیم ز بار
 هر روز که شاد بود / از آن که در اینست که بود

۲
 در این که تو مغرور باشی / در رخ رخافت و در درسام
 بر کف خفا اندر رخ ساز / بر هفت کار سنگ از
 آند به دیدن بلرزد / با بر خیز ز رعد سوز
 غیر ز من تو حدیم آمد / خدیم از آن که نه
 هم کف قاف کاف گفت / کفیم تو کاف گفت
 لشکر الف ساسی / کاریم تو کاف گفت
 تعین تو تا که دم کشد / غشیش از غشش او شد
 تا شد الف تو کاف پیکر / کفو تو جو کاف من
 پس در سلیم با شد / کرشمه بند و پست زلف
 کریم صبر صحت پیش / هر روز بر رخ فاسدش
 غیرت از آن که در شاک / بر روانه قشای را
 هر که زلف سراغ جوید / چون بنزد الف زراف روی
 بر چو دل اگر گذارد اول / بویایب او در خودی
 بهارچ آن او بطرف کلدار / به الفزای او در بار
 رود ز کزادی که بچشم بود / زان روز غیبتی که بود
 نبود در اینست و با ضر / جز در هیچ علم را جز
 کور بود در خط مطلوب / جز در در و ملک بود
 از پنجه ده هلال صفت / خشم آنکه بان آن بود
 بر کردش اول اول ازین / بر کردش که آینه
 از سال جلاله ادبی / از مقیم که در سوره

کلاه و زلفه کانی / جله دار و رفا قدر کانی
 نقیر رود بر زنجابت / باشد و حال فدر سینه
 شریک که مهرده هلدی / شمشیر زنده

00

00

جاءت

٢	٩	١٤
٣	٥	١٠
٤	١	٨

واعلم ان هذا الوقي
له حروف مفردة
وله حروف مفردات
في الحروف المفردات
خمس وهم الالف والكيم
والهياء والنون والطاء والكوف والمزجات الاربعة وهم
الباء والذال والواو والياء في المفردات ثقل القداوة والقوة
والنفقة وهما كالحروف والاشكال ذلك مثل حرف خا زل
الاعدا وط دهم عن من رهم وقل الحروف وغير ذلك
ولا للمفردات في بعض المحنة والقفل والظاهرة ولفظ الملوك
والاصلاح ذات الهى مثل المرأة وزوجها وتطيل النفقة هي
الاشياء والاشكال ذلك وانما سميت للمفردات لان الالف
واحد واكيم فاصلة ثمة الخ وانما سميت للمفردات لان كل
حرف من حروفها في نفسه في الالف الخ هذه الحروف على
حرف منها عدة زوج وهذه صفة المفردات

١	٤	٥	٦	ط
٢	٣	١	٤	٥
٣	٤	٥	٦	١
٤	٥	٦	١	٢
٥	٦	١	٢	٣

وللمفردات
وضع آخر غير
هذه الصفة
وهو ان توضع
المفردات

على هيئة وضع الالف في حروفها في حروفها وترك
بعض الحروف في حروفها وهذه صفة
ولها الحروف فوضع الالف في حروفها

١	٢	٣
٤	٥	٦
٧	٨	٩

الصفة الاولى توضع له وفقا ترتيبا ووضع الحروف
فيها فليس للمفردات في الوقي الممتن ويكون وضع
اما بالعلم الربيع او بالعلم الطبع فبعض صفة وتضع بالعلم
الربيع

ب	د	و
ع	ز	ح
ط	ق	ك
ل	م	ن

وهناك توضع الوقي الممتن
على هيئة ترتيب الحروف في
بعضها وترك بعض الحروف
خالية وهذه صفة وان كانت
المفردات والمفردات في حروفها او في حروفها بالعلم
الطبع فبعض الربيع او بالعلم الطبع فبعض صفة وتضع بالعلم
الربيع

١	٢	٣	٤
٥	٦	٧	٨
٩	١٠	١١	١٢
١٣	١٤	١٥	١٦

١	٢	٣	٤
٥	٦	٧	٨
٩	١٠	١١	١٢
١٣	١٤	١٥	١٦

واعلم ان اهل العكس ذكره والكل حرف

99

FN



در روز اول و طاعت است در پیشگاه
 در پیشگاه خداوند است در پیشگاه
 در پیشگاه خداوند است در پیشگاه
 در پیشگاه خداوند است در پیشگاه
 در پیشگاه خداوند است در پیشگاه
 در پیشگاه خداوند است در پیشگاه
 در پیشگاه خداوند است در پیشگاه
 در پیشگاه خداوند است در پیشگاه

الحمد لله